

حوادث کوتاه

جسدی رهاشده در رودخانه بهممنشیر آبادان

جسد مردی جوان در رودخانه بهممنشیر آبادان کشف شد. روز گذشته مأموران کلانتری ۱۱ ولعصر در حین گشتزنی در حوزه استحفاظی خود بودند که جسد پسر جوان را در رودخانه بهممنشیر مشاهده می کنند که بلافاصله جسد توسط عوامل آتش نشانی از آب بیرون کشیده شد. مأموران در بازرسی از جسد به هیچ مدرک شناسایی نرسیدند و جسد مرد جوان برای شناسایی و بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. بنا بر این گزارش، تاکنون هیچ گزارشی در خصوص مفقود شدن مردی با مشخصات جسد به پلیس گزارش نشده و تحقیقات فنی در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی آبادان قرار گرفته است.

درگیری مرگبار در کرج

پسری جوان در یک درگیری مرگبار در یکی از پارک های کرج به قتل رسید. سرهنگ پیمان گودرزی رئیس پلیس کرج گفت: جوانی در پی وقوع درگیری مرگبار که در یکی از بوستان های شهر کرج به قتل رسیده بود که تیمی از مأموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند. وی افزود: بررسی های مأموران مشخص کرد مقتول یک جوان ۳۰ ساله است که با یکی از آشنایان خود به دلیل اختلاف شخصی درگیری شده و در یک زد و خورد به قتل رسیده است.

سرهنگ گودرزی اضافه کرد: پس از شناسایی قاتل، مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی مخفیگاه متهم را در کمتر از ۲ ساعت پیدا کرده و قاتل را دستگیر کردند.

زورگیری خشن از خانواده ها در پارک ها

زورگیران خشن در شهرک غرب تهران در پارک ها به کمین خانواده ها می نشستند. سرهنگ محمد گودرزی رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ گفت: ظهر روز ۱۸ اردیبهشت ماه اسامال مأموران عملیات کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس در حال گشتزنی در محدوده خیابان کازکاز تهران بودند که به چند نفر که به صورت پیاپی، افراد گذری از پارک سیمای ایران را زاع زنی می کردند، مشکوک می شوند و تحت مراقبت های ویژه پلیسی قرار می دهند.

وی گفت: متهمان در همین حین به طرف خانواده های حمله ور شدند و با تهدید سلاح سرد و اسبیری اشک آور از آنها اقدام به زورگیری کردند که مأموران وارد عمل شده و متهمان به محض رؤیت پلیس اقدام به فرار به صورت پیاپی کردند.

این مقام انتظامی به اقدامات پیش دستانه پلیس و آمادگی هر چه تمام تر مأموران کلانتری اشاره کرد و گفت: با اجرای طرح مهار و اعلام مشخصات متهمان به سایر گشت های انتظامی، متهم اصلی در یک عملیات منسجم و پلیسی دستگیر و در بررسی های بیشتر از وی یک قبضه سلاح سرد کشف شد.

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ ادامه داد: متهم ۴۰ ساله در تحقیقات اولیه به جرم خود و ۱۲ فقره سرقت مشابه با همکاری همدستانان معترف و اظهار داشت، پس از سرقت و زورگیری، گوشی های سرقی را به مرد جوانی فروخته است. به گفته ای به مقام قضایی، تمامی مالباختگان به همراه متهمان پرونده راهی مراجع قضایی شدند و شناسایی و دستگیری همدستان متواری متهم در دستور کار کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس قرار گرفت.

انفجار مرگبار خمپاره جامانده از دوران جنگ در ثلاث باباجانی

نکهان سید چنگرینا به خاطر انفجار یک خمپاره جامانده از دوران جنگ تحمیلی به کام مرگ فرورفت. سرهنگ شهرام کسانانی فرمانده انتظامی ثلاث باباجانی با اشاره به وقوع انفجار یک قبضه خمپاره باقی مانده از دوران دفاع مقدس، اظهار کرد: این حادثه در محل ورودی سد چنگرینان بخش ازگلر رخ داد که بلافاصله مأموران پاسگاه انتظامی بخش ازگلر به محل اعزام شدند. وی افزود: پس از حضور مأموران مشخص شد یکی از نکهبانان سد در حال انجام وظیفه بوده که به دلیل نامعلوم خمپاره جامانده از جنگ تحمیلی منفجر و باعث مجروح شدن وی از ناحیه شکم، صورت و سایر اعضای بدن می شود. فرمانده انتظامی ثلاث باباجانی تصریح کرد: نکهبان ۴۳ ساله پس از انتقال به مراکز درمانی به علت شدت جراحات وارده، جان خود را از دست داد.

شهادت ۲ پلیس با گلوله قاچاقچیان افیون



۲ پلیس در زنجان و هرمزگان توسط سوداگران مرگ به شهادت رسیدند. **شلیک تلخ در زنجان** سروران مهدی هادی، مأمور پلیس امنیت اقتصادی پس از توقیف خودروی قاچاقچیان در حین بازرسی هدف حمله مرکباز قاچاقچیان قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل شد. سردار محمد طراغیه، فرمانده انتظامی استان زنجان با اعلام این خبر اظهار داشت: بامداد سه شنبه مأموران پلیس امنیت اقتصادی در پی گشتزنی در مسیر زنجان - تبریز یک خودرو حامل کالی قاچاق را متوقف کردند. وی افزود: سروران مهدی هادی از مأموران پلیس امنیت اقتصادی حین بررسی خودروی قاچاق با قاچاقچیان درگیر شد و به خاطر شدت جراحت وارده به درجه رفیع

شهادت نائل آمد. سردار طراغیه تصریح کرد: قاچاقچیان که بی رحمانه بعد از جنایت خود پا به فرار گذاشته بودند بعد از تعقیب و گریز مأموران دستگیر و به مقر انتظامی دلالت داده شدند. فرمانده انتظامی استان زنجان عنوان کرد: در این رابطه ۲ خودرو، حامل مقادیری زیاد کالی ممنوعه توقیف و ۳ متهم دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شدند. **پلیس شهید در هرمزگان** سرهنگ شهید مسعود پرتکاس، رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر فرماندهی مرزبانی استان هرمزگان در درگیری مسلحانه با قاچاقچیان مواد مخدر در مرزهای آبی هرمزگان به شهادت رسید. فرمانده اسماعیلی، فرمانده مرزبانی استان هرمزگان با اعلام این خبر گفت: عصر

دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه مرزبانان مبارزه با مواد مخدر فرماندهی مرزبانی استان هرمزگان در آب های خلیج فارس با یک باند اشراز و قاچاقچیان مواد مخدر درگیر شدند و در این درگیری سرهنگ مسعود پرتکاس، رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر فرماندهی مرزبانی استان هرمزگان کشته شد. مرگ به درجه رفیع شهادت نائل آمد. قاچاقچیان پس از درگیری اولیه و زخمی شدن تعدادی از اعضای باند از محل متواری شدند. وی افزود: تلاش مرزبانان برای تعقیب و دستگیری اعضای این باند ادامه دارد. گفتنی است، سعید میردی رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر شهرستان رودان هرمزگان نیز ۲۰ فروردین امسال توسط اشراز مسلح به شهادت رسید.

مادر مقتول تاب دیدن طناب دور گردن قاتل را نداشت

نقطه سیر خط زیر طناب دار

معمومه مرادپور / صدای نفسم را می شنیدم بلندتر از هر وقت دیگر... صدایش همچون سوت قطار لایه لای ضربان قلبم شنیده می شد. کف پاهایم نشسته بر دمپایی آبی رنگ زندان سنگین شده و پاهایم سست شده بود. هر گامی که برمی داشتم تصویر خودم را واضح تر پای چوبه دار می دیدم، وارد محوطه ندامتگاه که شدم آسمان طسور دیگری روی سرم می چرخید انگار همه چیز به خط پایان رسیده بود و من باید لباس مرگ را می پوشیدم. هیچ وقت فراموش نخواهم کرد درست زمانی که ریخت خدا حافظی بر تن کرده بودم و خودم در مقابل طناب حلقه زده شده دیدم ناگهان نور امید در وجودم تابید و آن صدای زلال بخشش مادری بود که من فرزندش را کشته بودم. این بخشیدن، سنگین تر از آویخته شدن ریسمان زرد رنگ بود. حلقه طناب دار را از دور گردنم درآوردند و من با ناتی شرمسار به پای مادر داغدار روی زمین افتادم. سسمقونی عشق مادر به فرزند برای نخستین بار در گوشم شنیده شد: مادری که از خون جگرگوشه اش گذشت تا من زنده بمانم. ایستگاه پایان زندگی من پای چوبه دار ایستگاه مرگ نبود ایستگاه بخشش زیر امواج پر طراوت محبت مادری بود که برای اولین بار روح زندگی را به من هدیه داد. رضا چند روزی است در سلول، پای سجاده اش نشسته انگار نه انگار چندی قبل به خاطر شرارت خودنمایی، دستش به خون هم می کشیدم. آلوده شده بودم. او دیگر رضای دیگری شده است، هم بندی هاییش از این همه تغییر ناگهانی اش شوک شده اند و خیر نجات او از قصاص که قرار بود سحرگاه چهارشنبه اجرا شود در فضای زندان پر شده است. ۵ سال پیش بود که نزاعی خونین در یکی از محله های کرج، گشت پلیس را راهی محل درگیری

کرد. جواد ۲۱ ساله که در این نزاع بشدت زخمی شده و غرق در خون بود به بیمارستان منتقل شد. چند ساعت بیشتر طول نکشید که تیم پزشکی خبر مرگ او را دادند. با مرگ جواد، بازپرس کشیک قتل در بیمارستان حضور یافت و تحقیقات جنایی برای بازگشایی این پرونده شروع شد. تحقیقات میدانی مأموران پلیس نشان می داد پسری به نام رضا ۲۳ ساله پس از درگیری و وارد کردن چاقو به سینه جواد از صحنه جنایت گریخته است. درست زمانی که بازپرس دستور داد رضا به اتهام قتل عمد تحت تعقیب باشد، پسری با چهره ای پریشان خودش را به کلانتری معرفی کرد و با صدای ملول از پشیمانی مدعی شد که دستانش به خون هم محله ای اش آلوده شده است. رضا چند سالی بود با رفقاییش دست به شرارت می زدند و این بار درحالی که اتهام قتل بر پیشانی اش نقش بسته بود، خودش را معرفی کرد. او می گفت: عذاب وجدان باعث شد خودم را معرفی کنم. پسر ۲۳ ساله بعد از اعتراف به جنایتی که مرتکب شده بود، بازداشت شد و طولی نکشید که پس از پایان مراحل بازرسی به زندان منتقل شد. تقریباً یک سال بعد رضا از چندین مرحله محاکمه و با توجه به درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد و با تأیید حکم قصاص از سوی قضات دیوان عالی، در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت. تلاش های زیادی برای رضایت اولیای دم انجام شد اما مادر مقتول رضی به رضایت نشد، این مادر داغدار که پس از چندین سال نذر و نیازهای فراوان مدعی بود که به واسطه امام رضا (ع) خداوند، جواد را به او داده است، به هیچ عنوان رضی نشد از خون پسرش بگذرد.



نگاه کارشناسی

فاطمه نورا جواد کارشناس ارشد روانشناسی شاید اجرای قانون، منطقی ترین سلاح پاسخ باشد و آدمی فکر کند دلش خنک شده و احساس خوبی به او دست می دهد اما بررسی پژوهشگران نشان می دهد که افراد با بخشش، احساس خوشایندتری دارند. اینکه فردی از خون عامل مرگ عزیزترین فرد زندگی اش گذشت می کند کار هر کسی نیست اما وقتی خودش تصمیم می گیرد او را ببخشد سرانجام احساس آرامش خواهد یافت. در بسیاری از مواردی که حکم قصاص اجرا شده، اولیای دم پس از مدتی با خیال اینکه بعد از اجرای حکم به آرامش دست خواهند یافت احساس خوبی نداشته اند البته این موضوع بیشتر درباره پرونده هایی صحت می کند که متهم ناخواسته دستش به خون آلوده شده است. پس بهتر است اگر می توانیم با بخشش حال دل خودمان را بهتر کنیم این کار را انجام دهیم. در همه امور زندگی سعی کنیم افرادی را که در حق مان بدی کردند ببخشیم تا کینه، دل و روح مان را فسرده نکنند. همان طور که در بسیاری از سخنان بزرگان به این امر توصیه شده است، افسردگی نمی توانند بخشش را در زندگی خود به کار ببرند. بیشتر از سایرین رنج می برند. آنها مدام به دنبال انتقام هستند و کینه، مجال خوشی را از آنها دور می سازد و در نقطه مقابل افرادی که به راحتی می بخشند آرام تر هستند و خود را درگیر افکار سینه جوینانه نمی کنند، بنابراین سعی کنید آهنگ بخشش را در زندگی خود بشنوید و به کار ببرید.

قتل زن خیابانی در باغ لواسان

پسر نوجوان که متهم است با همدستی دو دوست فراری اش، یک زن خیابانی را کشته و جسد وی را به عمق چاه در یک باغ انداخته پای میز محاکمه ادعای تازه ای را مطرح کرد. **ناپدید شدن مرمری یک زن** یک سال پیش بود که یک زن به طرز مرموزی ناپدید شد و پلیس را در برابر پرونده پیچیده ای قرار داد. رسیدگی به راز گم شدن زن تهرانی از ۵ اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ کلید خورد و پلیس خود را در برابر سرنوشت عجیب زن ۴۹ ساله ای به نام رویا دید. **تنهایی رویا بعد از طلاق** مادر رویا که به پلیس آگاهی رفته بود، گفت: دخترم رویا مدتی است از همسرش جدا شده و به تنهایی در خانه اجاره ای اش زندگی می کند. چند روزی است از او خبری ندارم و نگران هستم. او حتی موبایلش را نیز پاسخ نمی دهد و می ترسم بلایی سرش آمده باشد. **سرنخی در لواسان** مأموران پلیس در نخستین فاز از تحقیقات به ردیابی گوشی موبایل رویا پرداختند و رد او را در حوالی خانه باغی در لواسان یافتند. **ردیابی پسر جوان** در بررسی فهرست مکالمات این زن مشخص شد وی چندبار با ۳ پسر نوجوان تماس تلفنی داشته است. با افشای این ماجرا ۲ پسر نوجوان به نام های آرش و بردیا و دوست ۱۹

ساله شان به نام داریوش ردیابی شدند اما پلیس فقط توانست آرش را بازداشت کند. شواهد نشان می داد ۲ همدست او به مکان نامعلومی گریخته اند. آرش سعی داشت با دروغگویی هایش پلیس را گمراه کند، اما وقتی در بن بست اطلاعاتی گرفتار شد لب به اعتراف گشود و به قتل رویا اعتراف کرد. **راز قتل زن خیابانی در چاه باغ** آرش ۱۷ ساله گفت: من و بردیا و داریوش با هم دوست هستیم. آن روز به باغی در لواسان رفته بودیم که با رویا تلفنی تماس گرفتیم و او را به باغ دعوت کردیم. او به باغ آمد اما سر میبغ و هزینه تاکسی اینترنتی با هم درگیر شدیم. او می گفت باید مبلغ ۱۵۰ هزار تومان بیشتر به او بدهیم. ما هم عصبانی شدیم. به همین خاطر داریوش و بردیا دست و پای او را گرفتند و من دهانش را با دست گرفتم تا او را ادب کنیم. اما ناگهان متوجه شدیم رویا نفس نمی کشد. ما که ترسیده بودیم جسد را بتویج کردیم و به باغ همسایه بردیم و به عمق چاه انداختیم و گریختیم. با اعترافات آرش، پلیس بقایای متلاشی شد جسد را از عمق چاه کشف کرد و آرش روانه کانون اصلاح و تربیت شد. در این میان ردی از ۲ همدست وی به دست نیامد و پلیس دریافت آنها احتمالاً به افغانستان گریخته اند. بدین ترتیب آرش در شعبه

هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران از خود دفاع کرد. **در دادگاه** در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند. سپس آرش به دفاع پرداخت و منکر جرمش شد. وی گفت: من رویا را نکشتم و از نحوه مرگ او اطلاعی ندارم. بازسازی صحنه جرم را تحت فشار روانی انجام دادم و بی گناه هستم. وی سناریوی جدیدی را مطرح کرد و گفت: قبول دارم رویا را از قبل می شناختم و قبلاً با او رابطه برقرار کرده بودم. من و دامی او ۴۵ روز قبل از این ماجرا در باغ یا رویا قرار گذاشتیم و مبلغ ۴۵۰ هزار تومان هم به او پول دادیم. آخرین بار من و دوستانم در باغ بودیم که رویا را به آنجا دعوت کردیم. اما او همراه ۲ مرد غریبه به باغ آمد و چون سر میبغ با هم به توافق نرسیدیم او همراه ۳ مرد غریبه باغ را ترک کرد. من از نحوه کشته شدن او اطلاعی ندارم. ممکن است مردان غریبه او را کشته و جسدش را به عمق چاه انداخته باشند.



همدستان این قتل از ایران فرار کرده اند

هشدار

فرار دختر تهرانی به خاطر ازدواج عاشقانه

دختر جوان که در فریبکاری مرد شیطان صفت گرفتار شده بود پس از فرار به شمال کشور با کمک پلیس به آغوش خانواده بازگشت. سرهنگ کارگاه علی ولیپور گودرزی رئیس پلیس آگاهی پایتخت، گفت: اواسط فروردین ماه سال جاری، زن میانسالی هراسان با یک مرد چهارم پلیس آگاهی تهران مراجعه کرد و به کارآگاهان گفت، دختر جوانم به بیانه خرید از خانه خارج شده و دیگر بازنگشته است و در این مدت نیز با تمامی آشنایان تماس گرفتم اما کسی از او خبری ندارد؛ نگرانم بلایی سر دخترم آمده باشد. وی افزود: پس از تشکیل پرونده در دایره چهارم پلیس آگاهی، تیمی زبده از کارآگاهان راهی محل زندگی دختر جوان شدند و با بهره گیری از شیوه های کشف نوین جرم پی بردند، دختر گمشده با یک مرد جوان به صورت پنهانی ارتباط داشته است. رئیس پلیس آگاهی تهران عنوان کرد: کارآگاهان در نخستین گام با اقدامات اطلاعاتی متوجه شدند، دختر گمشده توسط مرد جوان در فضای مجازی با شوگرد ازدواج اغفال شده و از خانه فرار کرده است که همین سرنخ کافی بود تا کارآگاهان با روش های علمی و اقدامات اطلاعاتی هویت متهم را در کوتاه ترین زمان ممکن شناسایی کنند. سرهنگ گودرزی ادامه داد: کارآگاهان در گام بعدی با بررسی های تخصصی متوجه شدند، دختر جوان در خانه متهم در شمال کشور حضور دارد که کارآگاهان پس از کشف این سرنخ مهم، با هماهنگی های لازم با مرجع قضایی راهی آنجا شدند و مرد جوان را دستگیر کردند. وی با بیان اینکه کارآگاهان موفق به پیدا کردن دختر گمشده شدند، افزود: متهم پس از انتقال به اداره چهارم پلیس آگاهی در جریان تحقیقات ابتدایی ضمن ابراز ندامت و پشیمانی به جرم خود مبنی بر اغفال دختر جوان در فضای مجازی با شوگرد وعده های پویشالی و دروغین ازدواج اعتراف کرد. سرهنگ کارگاه ولیپور گودرزی خاطر نشان کرد: با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی، دختر گمشده به آغوش گرم خانواده خود بازگردانده شد و متهم برای کشف جرایم احتمالی در اختیار کارآگاهان اداره چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت.